

## تاریخ دیرین ترکان ایران

### مقدمه ای بر مبحث ایلامیان بزبان فارسی:

ایلامیان شاخه ای از آن دسته از اقوام خویشاوند و همزبانی بودند که در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد از آسیای میانه به ایران کوچ کردند. ایلامیان در جنوب غرب ایران امروزی ساکن شدند. و بعد از چندین قرن موفق به ایجاد تمدن بزرگی به نام ایلام شدند و دولت عیلام نزدیک به سه هزار سال دوام یافت.

ایلامیان تقریباً همزمان با سومری ها دولتشان را که شامل خوزستان، اطراف کوههای بختیاری، لرستان، پشتکوه و انشان یا انزان (فارس) بود تشکیل دادند. پایتختشان شوش بود و اهواز و خایدالو (خرم اباد) از شهرهای مهم شان بود (حقوق تاریخ، صفحه ۸۳، علی پاشا). ولی بعداً سرزمین تحت سلطه شان را تا نواحی مرکزی و شرقی ایران گسترش دادند. خود اهالی ایلام کشورشان را **Haltamtu** هلتامتو به معنی سرزمین خدا (ئی) می نامیدند.

سومری های دشت نشین ناحیه بین النهرین، آن کشور را ایلام (**Elam**) یعنی کشور کوهستانی و اهالی آن را ایلامی یعنی ساکنین مناطق کوهستانی خطاب میکردند. این نامگذاری را اکدی ها از سومری ها اخذ و از طریق تمدن بابل به تورات رسید که با املائی "عیلام" به اعراب و دیگر مسلمین منتقل شد. هخامنشیان مهاجران آن را **Huwaja** می

نامیدند. (دکتر رضی صدر پیرامون نام تاریخی کشور "ایلام") دولت مقتدر ایلام از ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۶۴۵ ق م یعنی به مدت ۳۰۰۰ سال تداوم داشت و بیشترین تاثیر را بر فرهنگ اقوام ساکن در ایران گذاشته است از ایلامیان کتیبه و لوحه های زیادی به جای مانده و بیش از ده هزار لوحه ایلامی در دانشگاه شیکاگو نگهداری میشود و اثری که تا حال ترجمه شده اطلاعات زیادی راجع به سلسله های شاهی ایلام میدهند ولی اطلاعات راجع به زمان قبل از سارگون اول (۲۳۳۴ ق م) شاه اکد کم است.

اولین سلسله سراسری ایلام "آوان" نام داشت (۲۵۵۰-۲۶۰۰ ق م) و شوشر کنونی مرکزشان بود.

سلسله "سیماش" ۱۲ شاه داشتند و مرکز حکومتشان در شمال خوزستان و جنوب لرستان بود. اوایل حکومتشان همزمان با حاکمیت قوتی های اذربایجان در بابل بود و تابع آنها بودند و آخرین شاه این سلسله "Eparli" بود و این سلسله در سال ۱۸۶۰ ق م سرنگون شد از

حوادث مهم این دوران جنگهای طولانی با سومر-اکد که منجر به انقراض آنان و تسلط درازمدت ایلامیان بر بین النهرین شد

سلسله "سوککال ماخ" (۱۸۰۰-۱۵۵۰ ق م): از شاهان معروف این سلسله "shirukduk"

میباشد که بابل را مطیع ایلام کرد در سال ۱۹۵۷ در شمال عراق کتیبه ای از او پیدا شد که

اشاره میکند به حمله او به قوتی هایی که بین دریاچه اورمیه و ایلكك باتان (همدان) ساکن بودند، در ان حمله shirukduk شکست خورده و به شوش برگشته و بعد از مدتی میمیرد

بعد از او برادرش "شیموت-وارتناش" شاه ایلام شد

دوره میانه پادشاهی ایلام (۱۴۵۰-۱۱۰۰ ق م) دوران زرین ایلام بود. ولی در قرن های ۱۱-۹

ق م به علت کشمکشهای داخلی ایلام فاقد دولت مرکزی بود و همه ایالتها کاملاً مستقل

بودند

دوران جدید دولت ایلام (۷۴۵-۶۴۵ ق م) از حساسترین دوران در تاریخ دولت ایلام بود، در

این دوره کیاکسار شاه ماد همراه با بابل بر علیه آشور میجنگیدند و ایلامیان از این فرصت

استفاده کرده دولت خود را تقویت کردند

در این دوران "تیگلات پیلسر" شاه آشور توانست بولوبی ها و هوری ها را مطیع خود ساخته

و مستقیماً با ایلام همسایه شود. سارگون دوم در سال ۷۲۲ ق م به ایلام حمله کرد ولی

شکست خورد. آشور بنی پال در سال ۶۴۵ به ایلام حمله کرده و "خوم بان کالداش"

آخرین شاه ایلام را دستگیر کرد و دولت مرکزی ایلام را منقرض کردند ولی دولت های

محلّی به عمر خود ادامه دادند و شکست نهایی ایلام با حمله هخامنشیان در سال ۵۴۵ ق م

انجام گرفت

ایلامیان بعد از این شکست دیگر فرصت باز سازی دولت مرکزی خود را نیافتند و بعد از

انقراض ماد توسط هخامنشیان، پارس ها بتدریج اراضی ایلام را ضمیمه امپراطوری تازه تشکیل شده خود کردند و دولت های محلی ایلام تابع آنها شدند.

ایلامیان برای تشکیل دولت مستقل خود حتی در زمان هخامنشیان بارها قیام کردند ولی دیگر موفق نشدند دولت پایداری را ایجاد کنند. داریوش در سال اول حکومتش سه بار برای جنگ با سه نفر از استقلال طلبان ایلام به انجا لشکر کشی کرد و هر سه قیام را با خشونت زیاد سرکوب کرد. داریوش شهرشوش را گرفته و به پایتختی تبدیل کرد و بدین ترتیب حکومت ایلام توسط هخامنشیان از بین رفت ولی ایلامیان مثل یک ملت تا قرن ها به حیات خود ادامه

داد. در زمان اشکانیان، ایلامیان حق ضرب سکه خود را داشتند و بارها در زمان اشکانیان برای استقلال خود قیام کردند.

از آنجا که به هیچ وجه حمله آشوریها و حتی حمله هخامنشیان را پایان کار ایلام نمیدانیم، بخش مهمی از کتاب را به بررسی تاریخ ایلام در دوره سلوکی، اشکانی و ساسانی اختصاص داده ایم و امیدواریم خواننده مجاب شود که حمله آشور بنی پال و ظهور هخامنشیان پایان

کار ایلام نیست که حتی در دوره اشکانی برای استقلال خود می جنگیده اند. (د.ت. پوتس،

باستان شناسی ایلام، مقدمه، ص ۲، از انتشارات دانشگاه کمبریج، سال ۱۹۹۹)

ایلامیان بر عکس سومریان بعد از انقراض حاکمیشان در طول عصر های زیادی به زندگی در

وطن خود ادامه داده و زبان و تمدن خود را زنده نگه داشتند. زبان ایلامی که به علت شباهت

اش با زبان دیگر اقوام (قوتی ه، کاسسی ها، ۱۱) از زمان Puzur inshushinak

پوزور این شوشیناک (۲۲۰۰ ق.م.) زبان مشترک و اداری سراسر ایران بود توانست موقعیت

ممتاز خود را تا اوایل ساسانیان حفظ کند با ترجمه تعدادی از لوحه های ایلامی نگهداری

شده در شیکاگو بطور قطعی ثابت شده است که زبان ایلامی یک زبان التصافی میباشد و لغات

زیادی در آن با ترکی آذری امروزی شبیه یا عین هم هستند آکادمیک "مار" ثابت کرد که

زبان ماد و ماننا نیز همان زبان ایلامی بود

زبان ایلامی تا قرن ها بعد از سقوط ایلام اهمیت خود را حفظ کرد و داریوش هخامنشی آن را

زبان رسمی و اداری امپراطوری کرد و همه ۳۰ هزار لوحه پیدا شده در تخت جمشید به زبان

ایلامی هستند (هنوز هم ترجمه نشده اند) آکادمیک "مار" ثابت کرده است که زبان رسمی و

اداری ماد هم ایلامی بود (تاریخ و تمدن ایلام، ص ۵) این موضوع بعدا در بخش مربوط به ماد

شما خواهد شد

ایلامیان در زمان هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان زبان خود را نگه داشتند و حتی

در دوره بعد از اسلام نیز زبان ایلامی به حیات خود ادامه داد و از طرف تاریخنویسان اسلامی

"خوزی" نامیده شد، برای مثال اصطخری در کتاب "مسالك الممالک" به آن اشاره میکند

و تاریخدانان امروزی مثلا دکتر سید محمدعلی سجادی و زبان خوزی را همان زبان

ایلامی میدانند این زبان حالا هم در شوش و مناطق عراقی نزدیک به شوش و از جمله شهر

"مندلی" و هم چنین در شهر "سنقر" لرستان و اطراف آن و بعضی جاهای دیگر زنده است و زبان عادی و روزمره اهالی میباشد و خودش هم به زبان ترکی اذری امروزی خیلی نزدیک است، آنان خودشان را اشکانی مینامند (تاریخ دیرین ترکان ایران، جلد ۱، پروفیسور ذهتابی)

"دمورگان" که سالها در خرابه های شوش کاوشگری کرده بود مینویسد که ایالت فارس حتی بعد از به قدرت رسیدن هخامنشیان شدیداً تحت نفوذ فرهنگ و زبان ایلامی بود و پارس ها دولت و فرهنگ خود را بر آنچه که از ایلامیان یاد گرفته بودند بنا نهادند.

"مِ دیاکونوف" محقق روسی مینویسد: در ایالت فارس چندین کتیبه ایلامی از اوایل حکومت هخامنشیان وجود دارد که حضور بالای ایلامیان در آنجا را حتی در زمان داریوش دوم نشان میدهد و این مسئله از آنجا دیده میشود که "مارتیا" که خود را پادشاه ایلام مینامد در ایالت فارس زندگی میکرد و در دفترخانه "استخر" حاکمیت کامل زبان ایلامی نشانه بیسوادی مامورین و دولتمردان پارس میباشد و نه اینکه تصور کنیم که آن زبان فقط رایج در بین اهالی بود (تاریخ ماد ص ۵۱۰-۵۱۱)

چونکه هخامنشیان کوچ نشین از خود تمدنی نداشتند و حاکمیت را با زور شمشیر و خشونت و بیرحمی خاص خودشان بدست آورده بودند امپراتوری خود را بر پایه تمدن ایلام بنا کردند و به وسیله آنان تمدن ایلامی در دنیا توسعه یافت در آن زمان دعوی تمدن و فرهنگ قومی در ایران وجود نداشت و این عارضه از زمان ساسانیان توسط اردشیر بابکان شروع شد (از بین

بردن آثار ترکان ماد و اشکانی توسط ساسانیان) و بعداً این کارزشت توسط رژیم پهلوی که خود را وارث آنها معرفی میکرد ادامه یافت (خیلی از آثار باستانی اذربایجان را در این دوره از

بین بردن \_\_\_\_\_ (د)

تمدن واحد سنتی ایران تا زمان انقلاب مشروطیت تقریباً همان تمدن ایلامی بود که برای اولین بار با ورود اسلام تغییراتی در آن ایجاد شده بود و بار دوم قازان خان سلطان معروف و کاردان ایلامی با اصلاحات اجتماعی عظیم خود تغییراتی را در سیستم اجتماعی ایران داد و بعداً هم در زمان مشروطیت و هم با انقلاب سفید تغییراتی در آن شد ولی رویهمرفته ساختار اجتماعی

امروزی ایران همان ساختار ایلامی و تمدن ایرانی مساوی است با تمدن ایلامی و تمدنی به اسم تمدن آریایی وجود خارجی نداشته و نظریه پوچ و بی اساسی است که از طرف استمارگران غربی برای رسیدن به اهداف استثمارگرانه شان در اوایل قرن نوزدهم به میان کشیده شد و حالا خود آنها خیلی وقت پیش به دغل بازی خود اعتراف کرده و موهومی بودن آن نظریه را تایید نموده و حالا حتی نظریه زبان هندو اروپایی در محافل علمی طرد شده و

احتمال خویشاوندی بین زبانهای اروپایی و هندوایرانی را کلارد میکنند  
دین ایلامیان بت پرستی بود و عقیده به ارواح مختلف، شامان ها، در بین آنان رایج بود. اسم  
خدای بزرگ ایلام "شوشیناک" بود و هر شهری خدای خود را داشت و مجسمه خدایان در  
عبادتگاه های شهرها گذاشته شده بود. مراسم دینی ایلام شبیه مراسم دینی سومر و بابل بود

(تاریخ مادم دیوید کونوف ص ۵۱۹).

در سیستم اجتماعی ایلام نیز مثل سومریان و دیگر خلق های التصافی زبان زن از حقوق

اجتماعی خیلی بالایی برخوردار بود و در کارهای دولتی و سرپرستی اماکن مذهبی زنان

حضور گسترده ای داشتند و ستم جنسی بر علیه زنان از خصوصیات اجتماعی قبایل **تات**

قبایلی از اواخر قرن ۱۹ به غلط با اسم اریایی خطاب میشوند) بود و آنها زن را یک انسان

حساب نمیکردند و او را مثل یک جنس خرید و فروش میکردند (هنوز هم در بین کردها،

تاجیکها و بعضی دیگر از قبایل تات دختر را در مقابل پولی به مرد خواستگار میفروشدند) با به

حاکمیت رسیدن هخامنشیان به تدریج زنان از فعالیت های اجتماعی کنار زده شدند و تمام

حقوق اجتماعی خود را از دست دادند. وضع اسفناکی را که هخامنشیان به زنان تحمیل کرده

بودند، در زمان ساسانیان بدتر شد ولی با آمدن دین مبین اسلام وضعیت زنان کمی بهتر شد،

اما هیچوقت به زمان قبل از آمدن تات ها برگشت (زن در سیستم حقوقی

ساسانیان، *k. Bartlemen*، ترجمه دکتر ن صاحب الزمان).

مجسمه سنگی "ناپیر اسو" ملکه ایلام از ۱۵۲۰ ق م قدیمیترین مجسمه زن پیدا شده در

دنیاست، این مجسمه که سرش کنده شده ۱۸۰۰ کیلو وزن دارد و نمونه هنر و ظریف کاری

آنها است و مجسمه های یونانی و رومی که صدها سال بعد از آن درست کرده شده اند از

لحاظ هنری در سطح خیلی پایین تری قرار دارند لباس های تن این ملکه شبیه لباس های



زندان اذری میباش \_\_\_\_\_ د

هر کسی که با زبان ترکی اشنایی دارد با نگاهی به اسامی شاهان ایلام تشابهات آنها را با

اسامی ترکی امروزی میبیند مثال: اسامی تعدادی از شاهان ایلام: شیموت-**وارتاش**

,shimut-vartash, **تن دن** - اولی tan dan-uli, **اونتاش قال** untash-gal,

**لیلا**-ایرتاش lila-ir-tash, **هومبان هال تاش** humban-haltash و غیره در آخر

اکثر اسامی ایلامی پسوند های "تاش", "آش" و "لی" وجود دارد که در زبان همه اقوام

التصاقی زبان ساکن اطراف کوههای زاگرس (قوتی, لولوبی, هوری, گیلزان, ماننا, ماد, ...) )

نیز صرف میشد و هنوز هم در بین اکثر اهالی همین سرزمین ها رایج است و برای مثال پسوند

"تاش" بصورت "**داش**" در ترکی آذری استفاده میشود: **یولداش**, **قارداش**, **تیمورتاش**

و غیره \_\_\_\_\_ ره.

ایلامیان نیز همچون سومریان موفق به افزیدن یکی از تمدنهای عالی بشری شدند و در طول

تمام دوره تقریبا ۳۰۰۰ ساله حکومتشان "دمکراسی ابتدایی و سنتی" خاص اقوام ترک را

حفظ کردند که بعدا مادها, اشکانیان, سلجوقیان و دیگر سلسله های ترک آن روش را ادامه

دادند (ایالات و ولایات نوعی استقلال داخلی داشتن و به فرهنگ و دین دیگران احترام

میگذاشتند), این خصوصیت از اخلاق طبیعی ترکان قدیم به حساب می آید و در نتیجه همین

روحیه آزاد ملی ایلامیان توانستند نزدیک به سه هزار سال حکومت کنند و در مقابل اقوام

سامی و غیره ایستاده و اغلب غالب ایندِ سیم حکومتی فدرالی اولین بار در تاریخ در ایلام  
شکل گرفت

به مرور زمان تمدن درخشان ایلام هر چه بیشتر اشکارتر میشود و شوینیست های فارس و  
حامیان اریا پرست شان (استمارگران غربی که تاریخ ایران را به نفع قوم موهوم آریا شدیداً  
تحریف کرده اند) که تا دیروز، یا وجود آنها را کلاً انکار میکردند و یا آنها را وحشی و غیر  
ایرانی مینامیدند، حالا با بیشرمی میخواهند به آنها لباس اریایی (بخوان لباس وحشیت)  
پوشانند، برای مثال "یوسف مجید زاده" در کتاب "تاریخ و تمدن ایلام" مینویسد: منطقی

ترین فرضیه این است که ایلامیان به عنوان پروتولر زبانشان با ورود به دوران ماد به زبان ایرانی  
مبدل شد. (این پان فارس همان به اصطلاح تاریخ دانی هست که اخیراً در مصاحبه ای با  
**روزنامه همشهری** ادعاهای دروغین پان فارس ها را در مورد **کتابسوزی مسلمین** در  
ایران را پس گرفته و اعتراف کرد که آریایی ها تا قرن ۹ میلادی هیچ نوشتاری از  
خود نداشتند و اولین بار در اواخر قرن ۹ میلادی با کمک گیری از زبان عربی زبان فارسی  
قدرت نوشتاری پیدا کرد) (همشهری، ۶ مهر ۱۳۸۲). اینها ۸۰ ساله که مشغول تحریف تاریخ  
ایران به نفع قوم موهوم آریا هستند و هنوز هم با سماجت به این کار غیر انسانی و ضد فرهنگی

شان ادامه میدهند